

اهریمن

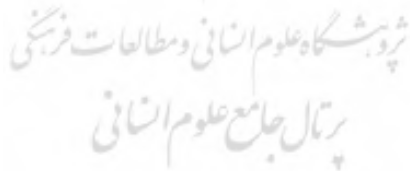
الیه امینی کیاسری^۱

نفیسه نمودیان پور^۲

چکیده

مسئله خیر و شر از مهم‌ترین مفاهیمی هستند که همواره در طول تاریخ، زندگی انسان را جهت‌دار کرده‌اند. تضادهایی همچون شب و روز، تولد و مرگ، نیک بختی و بدبختی و مانند آن، همواره در زندگی بشر وجود داشته‌اند. در ایران باستان، این دو مفهوم زادهٔ زروان، خدای ازلی و ابدی است. بر اساس متون کهن از زروان دو فرزند تولد می‌یابند به نام‌های اورمزد و اهریمن. زروان قرار را بر این گذاشته بود که پادشاهی و جلالش را به فرزندی بدهد که زودتر به دنیا بیاید. اهریمن از این فکر آگاه می‌شود، شکم زروان را می‌درد و بیرون می‌آید. هدف اهریمن فریفتن انسان تا روز رستاخیز است. بر اساس منابع و مطالعات انجام‌شده، به‌طور قطع می‌توان گفت که واژه اهریمن، تصویر اسطوره‌ای از شیطان در دین اسلام است. در این مقاله به بررسی واژه شناختی مفهوم شر و اهریمن و واکاوی این مفهوم بر اساس منابع مکتوب و غیر مکتوب در ایران باستان پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: شر، اورمزد، شاهنامه، اهریمن، خیر، زروان



۱. کارشناسی ارشد پژوهش هنر، موسسه آموزش عالی کمال الملک، نوشهر elamini1368@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رامسر n.namadianpour@gmail.com

مقدمه

اهریمن و اهریمن شناسی موضوعی است که در هر برهه‌ای از زمان و مکان در ادبیات و هنر ایران قابل پژوهش است، اما پررنگ‌ترین بخش آن در ادبیات حماسی (حماسه‌های ملی)، به‌ویژه شاهنامه فردوسی به چشم می‌خورد. اهریمن پژوهی از بنیادهای پژوهش ادبیات، فرهنگ و اساطیر ایران است. اکثر متون موجود مرتبط با بحث اهریمن، از متون اوستایی، پهلوی و پازند هستند که به متون فارسی زرتشتی ترجمه شده‌اند یا از خدای‌نامه‌های دوره ساسانی‌اند که از ترجمه آن‌ها به شاهنامه‌های منثور، شاهنامه فردوسی و دیگر حماسه‌های ملی به‌دست آمده‌اند. اساطیر ایران و موضوعاتی مثل اهریمن و دیوان در ادبیات دوران ایران باستان شکل گرفته‌اند. بنا بر متون، اهریمن موجودی بدسرشت است و پلید که برای از بین بردن نیکی تلاش می‌کند، ولی چون دون و پست مایه است سرانجام در پایان کار اهریمن نابود شده و اورمزد بر او چیره می‌شود و کار جهان یکسره به نیکی خواهد گرایید. اهریمن و دیوان شخصیت‌های پیچیده، مرموز پر از رمز و رازی هستند که شناخت آن‌ها می‌تواند گوشه‌ای از فرهنگ و تمدن ایرانی، آموزه‌ها، نمادهای حماسه‌های ملی و دستاوردهایی را به همراه داشته باشد. برای شناخت و کاوش اهریمن در شاهنامه باید ابتدا به متون دوران کهن رجوع کرد.

درک کامل و شناخت روشن از کردارشناسی اهریمن و دیوان در دوره هستی اهریمن و با بررسی توصیفی کردارها و هسته‌های مشترک داستانی، پدیده‌های رفتاری و روابط پیچیده و متنوع موجود بین اهریمن، دیوان، اهورامزدا و انسان... در متون حاصل می‌شود. پدیده‌ی رفتاری، کردار ویژه‌ای است که از اهریمن و دیوان با ویژگی‌ها و توانایی‌های فرا بشری سر می‌زند و منظور از هسته‌ی مشترک داستانی، وجود یک هسته‌ی داستانی در متون مورد مطالعه است که از نظر ساختار و مضمون، توصیف و نمادپردازی و همچنین یکسانی و همسانی کرداری دارای بنیاد و بن‌مایه‌ای مشترک هستند. این هسته‌ی نخستین به‌صورت الگویی تکرارشونده در این متون باقی‌مانده و حلقه پیوند میان آن‌هاست؛ بنابراین پس از بررسی توصیفی مینو، گیتی و هستی اهریمن است که می‌توان به بنیاد شناسی کرداری او به‌طور دقیق پرداخت.

هدف از این مقاله رسیدن به شناختی از اهریمن و دیوان از آغاز ادبیات ایرانی تا پایان دوره‌ی حماسه‌های ملی، دریافت نگاه اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی درباره آن‌ها تا حدودی آشنایی با مسئله‌ی شر و ایجاد ارتباط حلقه‌های مطالعاتی بین ادبیات کهن ایران باستان و حماسه‌های فارسی (شاهنامه) است. (مفاخر و ترفند، ۱۳۸۹)

پیشینه پژوهش

با توجه به متون کهن، شواهد موجود و بر اساس اسطوره‌های داستان آفرینش، اعتقاد به وجود دو اصل ازلی و دو نیروی همیشگی خیر و شر در اقوام مختلف ایران باستان و جهان عمومیت داشته

است. تمامی فرهنگ‌ها اصل و منشأ جنبش و حرکت در جهان آفرینش را ناشی از برخورد و کشمکش میان دو نیروی خیر و شر می‌دانستند، بنابراین فلسفه حیات نیز تحت تأثیر همین اندیشه تفسیر و تحویل شد. مسئله‌ی زندگی در مقابل مرگ، سپیدی در برابر سیاهی، روشنایی در مجاورت تاریکی و... حاصل نزاع دو نیروی خیر و شر بود (رو، ۱۳۶۹: ۹۴).

ریشه (نیکی - بدی) یا (خیر - شر) در نهاد و اندیشه آدمی است. شر به معنای عام همان چیزی است که نوعاً کسی نسبت به آن رغبت نمی‌کند. در مقابل، خیر مورد میل و علاقه همگان است. ماهیت شر چیزی جز عدم خوبی نیست و خیر و شر در عالم بنا بر نظر فلاسفه لازم و ملزوم یکدیگرند. (بوعلی سینا، شفا: ۳۵۵)

قبول دو مبدأ خیر و شر از معتقدات قدیم و اصیل ایرانیان نیز محسوب می‌شود. اینان بدی و خوبی را هریک به منشائی جداگانه مربوط می‌دانستند. قوای خیر باعث سعادت و نیروهای شر مسبب تیره‌بختی افراد شناخته می‌شود (معین، ۱۳۶۳: ۴۲). مظاهر خیر، روز، فصول معتدل، فراوانی، تندرستی، زیبایی و راستی و مظاهر شر، زمستان، خشک‌سالی، قحط، امراض، زشتی، دروغ و امثال آن‌ها بوده است. با توجه به وجود دو نیروی خیر و شر، موجودات جهان نیز به خیر و شر تقسیم می‌شوند و با هم تباین ذاتی دارند و از میدائی واحد صادر نشده‌اند. در مقابل خدا و ملکوت، دنیای شر و تاریکی که در آن اهریمن و دیوان فرمانروایی می‌کنند قرار دارند (یاحق، ۱۳۷۵: ۸۸).

آریایی‌های باستان به دو نیروی راستی و دروغ و بی‌نظمی معتقد بودند و بعدها این اندیشه در دین زرتشتی گسترده‌تر شد و دوگانه بودن اصل نیک و بد دامنه وسیع‌تری یافت. جهان روشنی اهورامزدا در برابر جهان تاریک اهریمن، ویژگی‌های نیک اهورایی در برابر خصلت‌های زشت اهریمنی و امشاسپندان در برابر کماریکان (دستیاران اهریمن) قرار گرفتند. هر نیرویی برای خود ضد داشت و در نبرد فرجامین هر کدام تنها به نابودی هم‌اورد خود خواهد پرداخت (هینلز، ۱۳۸۶: ۷۸). هیچ‌کدام از این دو گوهر ارزش نیک بودن یا بد بودن را ندارند به‌بیان دیگر، اهورامزدا آنچه را که آفریده نیک است و شر در آن راه ندارد؛ اما هرگاه اختلاف موجود در هستی در اندیشه انسان رشد کند و شکوفا شود، نیک و بد به وجود می‌آید (خنجری، ۱۳۸۰: ۲۵، ۲۸).

به‌طور کلی پیشینه‌ی پژوهشی، در ساختار، مینو شناسی، هستی‌شناسی و کردارشناسی اهریمن وجود ندارد. پژوهش‌هایی در زمینه‌ی شناخت اهریمن و دیوان صورت گرفته، اما پژوهشی با عنوان اهریمن و دیوان که در آن به پیشینه‌ی متون اوستایی، زردشتی، زروانی و مانوی و پیوند استوار این متون با شاهنامه توجه شود، انجام نشده است. می‌توان گفت نخستین منبع ایرانی که با طرحی اجمالی در زمینه‌ی شناخت اهریمن با دیدگاه خاص انجام می‌گیرد، کتاب درآمدی بر اهریمن شناسی ایرانی اثر دکتر آرش مفاخر، است. همچنین کتاب آفرینش زیانکار در روایات ایرانی، اثر کریستن سن آرتور،

ترجمه‌ی احمد طباطبایی؛ با نگاهی علمی و تخصصی، آفرینش اهریمنی و دیوان را مورد پژوهش قرار داده است.

بررسی مفهوم اهریمن

واژه اهریمن (از اوستایی انگره مئینو) به معنای بدسرشت است. اغلب اهریمن به‌عنوان موجودی ذهنی و روانی شناخته می‌شود (مفاخر و ترفند، ۸۹). اهریمن خالق عالم پست و تاریکی محسوب می‌شود و نام موجودی است که نقش گسترده‌ای در سراسر ادبیات و حماسه‌های ملی ایرانی دارد. اهریمن به‌عنوان سرچشمه‌ی همه‌ی بدی‌ها و سالار دیوان در برابر اورمزد (اهورامزدا/ هورمزد) پروردگار و داور همه هستی، دنیای روشنی و نیکی‌ها قرار دارد و ویژگی بارز او ویرانگری است. بر اساس کتاب بندهشن که در اواخر دوره ساسانیان نوشته‌شده نیروی مخالف اورمزد و زاینده بدی‌ها اهریمن نام دارد (بندهشن فصل اول). در هر برهه‌ای از زمان و مکان اندیشه‌ها و تصورات خاصی درباره‌ی اهریمن وجود داشته است. این اندیشه‌ها پیش از ادبیات گاهانی آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. در اندیشه‌های ایران باستان اهریمن تنها به‌عنوان موجودی مینوی یعنی ناسودنی و غیرمادی شناسانده می‌شد. «دنیای مینوی» دنیایی است که موجودات آن در حالت نادیدنی و بدون تن هستند. آفرینش در این دنیا بدون اندیشه نگرفتنی و بی جنبش است و سه هزار سال به درازا می‌کشد، اما ساده‌اندیشی انسان در برابر مسائل پیچیده‌ی فلسفی و دینی، او را بر آن می‌دارد تا به ملموس کردن مفاهیم انتزاعی دینی روی آورد. یکی از این مفاهیم اهریمن و دگرگونی او از موجودی مینوی به موجودی گیتیایی است (مفاخر، ۱۳۸۹: ۶۱). اهریمن که منشأ شر و نابودگر نیکی اورمزد در جهان تا روز رستاخیز است، دارای نیروی آفرینندگی است و آفرینش بد را در برابر آفرینش نیک اورمزد به وجود می‌آورد (یسنا ۱۷، ۵۷؛ یشت ۷۶، ۱۳). به‌نوعی اهریمن نیمه‌ی دیگر آفرینش است. در کار آفرینش به توافق اهریمن نیز نیاز بوده است و پیمان میان اهریمن و اورمزد توافقی است که بنا بر آن، اهریمن هم در آفرینش دخیل شده است. آفرینش اهریمن وارونه‌ی آفریده‌های اورمزد است. بارزترین ویژگی اهریمن نیستی او در برابر هستی اورمزد است. اهورامزدا (اورمزد) به او یادآور می‌شود که اندیشه، گفتار و کردار آن‌ها با یکدیگر همانند و سازگار نیست اما اهریمن توجه نمی‌کند. فلسفه آفرینش گیتی، برای دور کردن اهریمن، دشمنی و کینه‌توزی‌های اوست. اورمزد در آغاز آفرینش آفریدگان خود را در حالت مینو می‌آفریند. او نخست مینوی امشاسپندان را آفریده و برای هر یک از آنان یک خویش کاری و یک نشان گیتی قرار می‌دهد. اهریمن نیز در برابر هر یک از امشاسپندان یک سردیو به گونه‌ی مینو می‌آفریند، اما اهریمن و دیوان برخلاف اورمزد و امشاسپندان نشان گیتی ندارند. آفریدگان اورمزدی از حالت مینو به گیتی رسیده ولی اهریمن و آفرینش او ابتدا در حالت مینو باقی می‌مانند. آن‌ها از آنجا که نادیدنی ناسودنی و بدون تن هستند هستی ندارند و در نیستی به سر می‌برند (مفاخر، ۱۳۸۹: ۶۲). سرانجام همانند آفریدگان اورمزد از حالت مینو به گیتی

می‌رسند و دارای هستی انسان‌گونه با پیکری دیدنی می‌شوند و کردارهای ویژه‌ی خود را دارند. کردارشناسی اهریمن به بررسی دوره‌ای می‌پردازد که در آن اهریمن موجودی هستی‌مند شده است، یعنی مینو و گیتی اهریمن درهم‌تنیده شده و موجودی دیدنی، با تن جسمانی به وجود آمده است. اهریمن در دوران پیش از هستی به دنیای نور و روشنی می‌تازد. در این تازش، اهریمن نور انسان نخستین را می‌بلعد و او را به دوزخ می‌برد و در آنجا زندانی می‌کند. کردارشناسی اهریمن را در دوران هستی‌مندی او می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

- دوران نخست، دوره آفرینش مینوی اورمزد، تاختن اهریمن به سرزمین روشنایی، بیهوشی اهریمن و افتادن دوباره او به سرزمین تاریکی است.
- دوران دوم، دوره آفرینش گیتی به دست اورمزد، به هوش آمدن اهریمن، تاختن او به گیتی، کشتن کیومرث و زندانی شدن اهریمن در آسمان است.
- دوران سوم، دوره آمیختگی نیکی و بدی و مبارزه اهوراییان با اهریمن و دستیارانش است.
- دوران چهارم، زندانی شدن، دوره ناتوانی اهریمن و ازکارافتادگی و نابودی همیشگی او است (مفاخر، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

اهریمن در دوران هستی همانند انسان می‌اندیشد، سخن می‌گوید و کار و کردار انجام می‌دهد. اهریمن سرکرده‌ی همه‌ی دیوان است که به دیوان دیو نام برده می‌شود. او در دوزخ تیره در زیرزمین و جهان تاریکی به سر می‌برد و جایگاهش در ایاختر؛ شمال قرار دارد (وندیداد، ۱۹۰۴۷: ۱). اهریمن در برابر آفرینش نیک اهورامزدا آفرینش اهریمنی خود را آشکار می‌کند و جهان بدی را می‌آفریند (وندیداد، ۱۹۰۶). اهریمن پس از رسیدن به هستی، کردارهای خود را با نیروهای اهریمنی و جادویی در روی زمین در برابر انسان و طبیعت برای نابودی آفرینش نیک اهورایی و انسان انجام می‌دهد. اهریمن پنداری در رو آن‌ها انسان است، همانند دیو خشم که صورت جسمانی ندارد و به‌عنوان یک ویژگی زشت و اهریمنی در انسان شناخته می‌شود. بدی در طبیعت و طبایع آدمیان، از دیوان است و آنان که به دیوان می‌گرایند، به خطه‌ی تاریک و گندیده‌ی دوزخ، جایگاه اهریمن و دروغ (دروغ) می‌افتند (مزدا پور، سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). اهریمن بانفوذ در اندیشه‌ی انسان‌ها آنان را فریب داده و گمراه می‌کند. این گمراهی باعث مرگ دردآور پیکر انسان‌ها و سرگردانی روان آن‌ها در دوزخ می‌شود. گناهکاری مردم باعث ادامه‌ی زندگی اهریمن می‌شود و او با دیو پرستی، بدی مردم به هم بدبینی و ستم نیرو می‌گیرد (مفاخر، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

اهریمن را با القابی چون گجسته، ملعون، دروند، بدکار می‌خوانند (ارداویراف‌نامه ۱، ۳)؛ و دروغ، پتیاره، تازنده و دروغ نیز خوانده‌اند (وزیدگی‌های زادسپرم ۲، ۲۸). اهریمن با صفاتی چون بدگهر، بدسگال و بدکنش شناخته می‌شود و علاوه بر این به معنای ریمن: نیرنگ‌باز، سرکش، کینه‌جوی و

کینه خواه زدار کامه، دارای کام نابودگر، دانش، رشک گوهر: حسود، ایبگت: تازنده و مخالف آمده است. جای اهریمن، جایی است که (آن را) تاریکی بیکران خوانند (بُندهش بخش اول، ص ۳). آمده است که اهریمن به صورت مار، مگس، چلیپاسه (سوسمار کوچک) و مرد جوان جلوه کرده است. گوهر اهریمن شر، فساد و بدی است و از آنجا که تغییر گوهر ناممکن است، نمی‌توان او را از بدی بازداشت. اهریمن به سبب بدگوهری پذیرای نیکی و راستی نیست (مینوی خرد، ۱۰، ۹). «آفرینش اهریمنی، از تن وزغ گونه و خاکستری و پست خلقت یافته‌اند، دین جادوئی دارند و نیکی هر مزد (اورمزد) و رامش آفریدگان او را نمی‌پسندند و نمی‌خواهند» (بهار، ۱۳۹۷: ۱۶۵). در واقع آفرینش اهریمن آفرینشی پتیاره و هرگزند است (یسنا، ۲، ۶۱). اهریمن، اژدهاک (ضحاک) نیرومندترین دیو درج را می‌آفریند (یسنا، ۸، ۹؛ یشت، ۳۴، ۵) و در سرزمین‌های نیک آفریده اورمزد، اژدها، زمستان، گرمای سخت، سست باوری، ناهنجاری‌های اخلاقی و انواع گناه را می‌آفریند. همچنین مرگ، درد، تب، گندیدگی... را می‌آفریند (وندیداد، ۳، ۲۰). همچنین در اندیشه آن است که آب‌ها را از جاری شدن و گیاهان را از روئیدن بازدارد (یشت، ۷۷، ۱۳). پریان و دیوان در این کردار یاریگر اهریمن هستند. (یشت ۳۹، ۵) آن‌ها به دستور اهریمن تلاش می‌کنند تا با یاری جادوگران و دیوان، تیشتر؛ ستاره‌ی باران را از بارش بازدارند (یشت، ۳۹، ۸). دیوان آفریننده اهریمن هستند و در جهان خود به زندگی می‌پردازند. آفرینش دیوان در آسمان صورت پذیرفته و فراتر از مرزهای زمینی است. در گذر از یسنا به یشت‌ها ساختار دیوان از حالت مینو به گیتی می‌رسد. در این ساختار، دیوان به‌جای قرار گرفته در برابر ایزدان و ابزارهای مینوی همانند نیایش و... در برابر انسان‌ها قرار می‌گیرند که سرانجام اهریمن و دیوان یکی است (مفاخر، ۱۳۹۱: ۳۴).

برای دیوان در اساطیر و حماسه‌های ایرانی چهار دوره‌ی آفرینش؛ پنداری، وجودی، هستی مند و انتزاعی در نظر گرفته شده است. در دوره‌ی آفرینش پنداری، دیوان تنها وجود ذهنی دارند و در ذهن انسان آفریده و پرداخته شده‌اند. در دوره‌ی وجودی، آن‌ها از حضور ذهنی به موجودیت می‌رسند. در دوره‌ی هستی مند، دیوان موجوداتی انسان‌گونه هستند که بر دو پای خود ایستاده و از دستان خود بهره می‌گیرند. در دوره‌ی چهارم دیوان به کلی از جامعه‌ی انسانی خارج شده، اهریمن و دیوان در پیکر انسانی درآمد و دست از مبارزه برمی‌دارند، به انسان‌های تنومند یا به صفات انتزاعی در درون انسان دگرگون می‌شوند و به‌عنوان دیو مردمان یا صفات زشت و منفی انسانی شناخته می‌شوند. اهریمن برای دیو پرستان منبع قدرت و ثروت، پادشاه و فرمانروای این جهان محسوب می‌شود. اهریمن شش دیو می‌آفریند که سر دیوان نام دارند. این شش سر دیو، عبارت‌اند از: اُگومن (دیو اندیشه بد است و پیام اهریمن را منتقل می‌کند)، ایندره (دیو بی‌نظمی است و انسان‌ها را از کار خیر باز می‌دارد)، ساوول (نمادی از ستمکاری، سلطنت بد و تجسمی از ظلم و ستم است)، ناهیه (دشمن سرسخت سپندارمذ است و قناعت را از آدمیان دور می‌کند و آنان را ناراضی می‌کند)، تیریز (او دام‌ها و گیاهان

را با زهر آلوده می‌سازد). (مزدا پور، سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۱) اسامی چند تن دیگر از دیوان عبارت است از: جَهِی، اَسْتوئیدات، نَسُوش، بوشاسب، اَشموغ، چشَمک، زَرمان و رَشک.

سرانجام اهریمن

اورمزد، بزرگ‌ترین براندازنده‌ی اهریمن است (یسناء، ۱، ۲۷؛ یشت، ۱، ۳۲). جنگ اَبزار اورمزد در مبارزه با اهریمن، دعای «آهونور» است که او را به تنگنا می‌اندازد (یسناء، ۱۵-۱۹). معنای دقیق و کامل این دعا همچنان مورد بحث است، اما یک ترجمه‌ی ممکن از آن، به این صورت است: «چنان‌که سرور دنیوی برگزیده است، سرور روحانی نیز چنین است، بر پایه‌ی اِشه (قانون الاهی)؛ آن‌گونه که به‌جا آورنده‌ی کردارهای نیک‌منشانه در زندگی و ملکوت مزدا ی اهورا ارزانی آنانی است که درویشان را همچون شبان‌اند».

امشاسپندان، ایزدان و آفریدگان نیک، یاوران اورمزد در مبارزه با اهریمن هستند. اورمزد از اندروای؛ ایزد باد یاری می‌خواهد تا آفرینش اهریمن را در هم کوبد و آفرینش خود را پاس دارد (یشت، ۳، ۱۵). ستایش اندروای، اهریمن را از چیرگی بر انسان بازمی‌دارد (یشت، ۵۵، ۱۵). اندروای در پی ستایش تهمورث از او اهریمن را به پیکر اسبی درمی‌آورد تا تهمورث سی سال سوار بر او کرانه‌های آسمان و زمین را درنوردد (یشت، ۲۵، ۱۳، ۱۹، ۲۹). سپند مئینو؛ (سپننه مینیو، اهورامزدا) به یاری فروشی‌های انسان‌های پیرو نیکی و راستی، اهریمن را شکست می‌دهد. این فروشیها که در برابر اهریمن، همانند رزم افزار و سپر هستند (یشت، ۱۳، ۱۳، ۷۱) باعث شکست او و یارانش در به دست آوردن فره می‌شوند (یشت، ۴۶، ۱۹). بهمن و آذر اهریمن را در بازداشتن جریان آب و رویدن گیاه ناکام می‌کنند (یشت، ۱۳، ۷۸). تیشتر نیز او را ناکام گذارده و از او آسیبی نمی‌بیند (یشت ۸، ۴۴). آناهیتا از اهریمن دوری می‌گزیند (یشت، ۵، ۹۳) و با ستایش اهوراییان از او خورشید نیز از گزند اهریمن آسوده می‌ماند (وندیداد، ۶، ۲۱). اهریمن در برابر گرز صد گره و صد تیغ‌هی مهر به هراس می‌افتد و با ستایش مهر توسط اهوراییان ناکام می‌ماند. اهریمن از اردیبهشت نیز به ستوه می‌آید (یشت، ۳، ۱۴) و با شنیدن یسنا از آتش، آب، خاک، چارپایان، گیاه، ماه، خورشید و روشنی بیکران دور می‌شود (وندیداد، ۱۱، ۱۳). ستایش دین نیک امشاسپندان، شهریاران، زمان بی‌کرانه، وای سپندارمذ و آفرینش اورمزد، جهان را از گزند و آسیب اهریمن رهایی می‌بخشد (وندیداد، ۱۴، ۱۹). اهریمن درنبرد نهایی پس از شکست تمام نیروهایش، توسط اورمزد و امشاسپندان به بند کشیده می‌شود و به دنیای تاریکی برده شده و تا ابد در آنجا زندانی خواهد ماند. او به همان جایی رانده می‌شود که برای آسیب رساندن به جهان اهورایی از آنجا آمده بود (یشت، ۹۶، ۱۹، ۱۲).

نکته مهم در سرنوشت اهریمن این است که اهریمن همیشه زنده می‌ماند و هیچ‌گاه نمی‌میرد، بنابراین تنها می‌توان او را زندانی کرد و از کار بازداشت. بنا بر متون آمده است که برای از بین بردن اهریمن از کل جهان هستی، انسان‌ها علاوه بر روان خود، باید اهریمن را از تن جسمانی خود هم

بیرون کنند که در پایان زندگی گیتیایی پس از رستگاری و سرافرازی روان انسان در این مبارزه، زندگی جاودان در بهشت نصیب او خواهد شد (مفاخر، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۳).

واژه اهریمن

اهریمن در متون فارسی زردشتی با نوشتارهای اهریمن، آهرمن، اهرمن آمده است. واژه اهریمن در باورهای ایران پیش از اسلام صورت دگرگون‌شده‌ی واژه‌ی اوستایی انگره مئینو، به معنی خرد زشت، خبیث و اندیشه‌بد است که با گذشت زمان به شکل آخره مینو، آهره مینو، و آهرمن درآمده و در زبان فارسی امروز اهریمن شده است. اهریمن معادل کلمه‌ی شیطان و ابلیس در ادیان سامی است. واژه اهریمن با نام‌های ابلیس و شیطان هم شناخته می‌شود. در واقع با بررسی نوشته‌های برجای‌مانده از پیشینه واژه اهریمن به دو فرهنگ اصیل و کهن ایرانی زردشتی و مانوی خواهیم رسید. واژه‌ی اهریمن در فارسی میانه‌ی زرتشتی به آهیمن بدل شده است. اغلب واژه اهریمن در متون پهلوی به صورت وارونه نوشته می‌شود (بندهش، ب: ۴۲-۴۷). این وارونه‌نویسی در متون، نشانه‌ای از بیزاری جستن از اهریمن و نام او و همچنین بازتابی از وارونه کاری اعمال اهریمن است (مفاخر، ۱۳۸۸: ۱۳۳). واژه‌ی اهرمن، آهرمن و ابلیس نخستین بار، در شاهنامه که روایتی از دوران باستانی ایران است به ترتیب در داستان کیومرث و داستان ضحاک آمده است که بعد از آن ظاهراً واژه‌های آهرمن (اهریمن) و ابلیس با مفهوم مشترکی بکار می‌رفته‌اند. در جنگ کیخسرو با افراسیاب واژه ابلیس در مفهوم اهریمن دین زردشتی آمده است. با بررسی بعضی از متون فارسی متعلق به قرون اولیه اسلامی؛ شاهنامه باید بگوییم که واژه دیو، هم به جای اهریمن به کار رفته است.

توای پیر بیدار دستان سام مراد یو گویی که بنهاد دام

(فردوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۷)

واژه دیو مربوط به دوران ایران باستان است و (از خدا به نیروی منفی) برای نیروی شر به کار می‌رفته است. اهریمن دیو به شمار می‌رفته و او را سر دیو و دیو دیوان می‌دانستند. (مزدا پور، سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۰) واژه گنامینو؛ مینوی بد و گند نیز معمولاً برای اهریمن به کار برده می‌شده است. مترادف کلمه اهریمن: ابلیس، اهرمن، دیو، شیطان، عفریت، پلید؛ خبیث و نابکار است و متضاد اهریمن: اهورا نام دارد. اسامی دیگر اهریمن در فرهنگ فارسی واژه‌های اهرن، اهرامن، اهرمن، اهریمه، آهرن، اهریمه، آهرن، اهریمن، آهرامن، آهرمن، آهریمه، هریمه، است (برهان قاطع: ۱۸۹).

اهریمن در آیین زروانیان

در آئین زروان، اندیشه‌ی دوگانه باوری وجود داشت. این اندیشه هرچند عقلانی باشد باز هم نیاز اعتقادی انسان برای یافتن سرچشمه‌ای یگانه برای دو مبدأ خیر و شر را برآورده نمی‌کند، اما زروانی گری پاسخی برای برآورده کردن این نیاز انسان است. بنا بر دیدگاه زروانی ها، پیش از آفرینش آسمان و زمین و دیگر موجودات، حقیقتی به نام زروان وجود داشت. زروان هزار سال نیایش و

ستایش کرد که صاحب فرزندی به نام اورمزد (هرمزد) شود تا اورمزد آسمان و زمین و هرچه در آن است را بیافریند. پس از هزار سال نیایش، این شک در زروان پدید آمد که آیا نیایش‌های او سودمند بوده و صاحب اورمزد خواهد شد یا رنج او بیهوده است؟ زروان هم‌زمان با این کشمکش درونی اورمزد و اهریمن را باردار بود. اورمزد حاصل نیایش او و اهریمن حاصل شک واردید او بود. زروان هستی دو فرزند را احساس کرد و با خود گفت که هرکدام از این فرزندان زودتر به دنیا بیاید پادشاهی را به او خواهد بخشید. در این هنگام اهریمن شکم پدر را درید و در جلوی دیدگان او ایستاد. او فرزندی تیره و بدبو بود. پس از او اورمزد که نورانی و خوش‌بو بود، زاده شد و در برابر پدر ایستاد. زروان که پیمان کرده بود پادشاهی جهان را به فرزندی دهد که زودتر به دنیا بیاید، برای نگهداری پیمان خود، پادشاهی جهان را برای مدت نه هزار سال به اهریمن که زودتر به دنیا آمده بود، بخشید. سپس اورمزد را بر او پادشاه کرد تا پس از نه هزار سال پادشاهی به اورمزد برسد و او به‌دلخواه خود رفتار کند. پس از آن اورمزد و اهریمن شروع به آفریدن کردند، هرچه که اورمزد می‌آفرید، نیکویی و راستی و هرچه اهریمن می‌آفرید، بدی و کژی بود (کلبی، ۱۳۸۰: ۴۶۷، ۴۸۵). زروان، به‌عنوان خدای زمان دارای ذات جاودانه است و به‌عنوان خدای مکان که همه آفرینش در اوست، بی‌کرانه است. جز او ذاتی بی‌کرانه وجود ندارد و او سرچشمه هستی است. می‌توان دریافت که ذات بی‌کرانه زروان که پدر اهریمن و اورمزد است، به تاریکی و نیروهای شر گرایش دارد. (هینلز، ۱۹۷۵) در دانشنامه‌ی مزدیسنا در زیر واژه زروان آمده است: «زروان در اوستا به معنی زمان است که در برخی بندهای یسنا از آن یاد شده است. در برخی بخشه‌ای اوستا با صفات دَرِغ (دیرو و درنگ) و دراجَه (دراز) و دَرِغُوخاواذات (زمان درنگ خدای) و یا جاودانی فنا ناپذیر آمده است» (اوشیدری، ۱۳۸۳: ۳۰۵).

اهریمن و اورمزد هرکدام قلمرویی برای خود داشته و نیروهایی می‌آفرینند که بتواند در انجام امور خیر و شر به آن‌ها یاری رسانند. درنهایت زروان با دیدن فساد و شرارت اهریمن، او را لعنت و طرد کرد و اهریمن رفت و بر دنیا مسلط شد. اهریمن روشنی را در بهشت محاصره و سه هزار سال با او نبرد کرد. او هرگز به پروردگار نرسید. با میانجیگری فرشتگان اورمزد و اهریمن مصالحه کردند و قرار بر آن نهاده شد که اهریمن و سپاهیان‌ش نه هزار سال در جایگاه روشنی اقامت و سپس آن را ترک کنند. پس از بستن پیمان دو عادل را برخورد شاهد گرفتند و شمشیرهای خود را به آنان دادند و گفتند هر کس پیمان را بشکند او را به این شمشیر بکشند. معمولاً تصویر زروان بنا بر متون مکتوب، به‌صورت سرِ شیر، مار و حتی پیکره طاووس به تصویر درمی‌آید (کلبی، ۱۳۸۰، ج ۱).

اهریمن در اوستای گاهانی

تاریکی و روشنی بازتابی از دوگانگی منش دومینوی نخستین، انگره مَئینو (اهریمن) و سپند مینو است که از اهورامزدا سرچشمه گرفته‌اند. این دو گوهر در سخن، منش، خواست، گفتار، کردار، دین و

روان هم‌داستان نبوده و در برابر هم قرار دارند. این دومینوی آغازین دو نماینده کامل بهتری و بدتری در انیسه، گفتار و کردار هستند (مقدم، ۱۳۶۳: ۱۶).

بنابر متون گاهانیدو عنصر خیر و شر، در همه‌ی ویژگی‌ها باهم ناسازگار بوده‌اند. روشنی و تاریکی دو نماد برجسته‌ی اندیشه خیر و شر است. اگرچه تاریکی و روشنی هر دو آفریده‌های اورمزد هستند، اما با دگرگونی که در جایگاه اورمزد صورت می‌گیرد، او از یگانگی خود پایین آمده و در جایگاه سپند مینو، نقطه مقابل انگره مینو (اهریمن) قرار می‌گیرد، به‌این ترتیب اندیشه‌ی یگانه باوری گاهانی به اندیشه دوگانه باوری دگرگون می‌شود، یعنی اورمزد تنها آفریننده‌ی نور به شمار می‌رود و در برابر آن، آفرینش تاریکی از اهریمن سرچشمه می‌گیرد. در گاهان که کهن‌ترین نوشته ایرانی است، آمده است که جمشید تنها کسی است که گناه می‌کند و با اهریمن یکی می‌شود. این متون از گناه کردن و گول خوردن جمشید از اهریمن صحبت می‌کنند. گناه جمشید ادعای خدایی و دروغ گفتن است. جمشید تکبر می‌کند. او به گفتار دیوان فریفته شده، ادعای خدایی می‌کند و می‌گوید که آفریدگار است و هر آنچه را که در گیتی وجود دارد، او آفریده است. جمشید در پاسخ این پرسش که جهان را چگونه آفریده، درمانده می‌شود و در پی آن شکوه و فره کیانی از او روی برمی‌گرداند.

صفتی که در گاهان به اهریمن اشاره دارد «آکه» به معنای زشت و بد است که با پندار، گفتار و کردار زشت به دیوان می‌آموزد چگونه مردمان را فریب دهند و آنان را از زندگی جاودان بی‌بهره سازند. صفت دیگر اهریمن در گاهان دَبْثومَن به معنای فریفتار است. او دیوان را وامی‌دارد تا بدترین منش را برگزینند و آنگاه به یاری خشم زندگی مردم را به تباهی بکشند (مفاخر، ترفند، ۱۳۸۹: ۵۶).

اهریمن در متون زرتشتی

اکثر دست‌نوشته‌های قابل استناد مرتبط با بحث اهریمن متأثر از آئین زرتشت هستند. «ثنویت» اعتقاد به دو مبدأ اساساً متضاد، رکن و مشخصه دینی زرتشتی است که بر پایه باوری دیرین قرار دارد. در آئین زرتشت اعتقاد به دوگانگی خیر و شر وجود دارد و منشأ عالم دو اصل تاریکی و روشنایی است که این دو اصل با هم در منازعه هستند و پیروزی و شکست به‌نوبت نصیب هر دو می‌گردد. دین زرتشتی بر پایه یگانه‌پرستی است، یعنی زرتشتیان به خدای بزرگی به نام اورمزد ایمان دارند و برخی نیروهای طبیعی مانند آب، آتش، باد، خاک و خورشید را دارای ایزدی مأخوذ از صفات خداوند می‌دانند و سرچشمه‌ی پلیدی‌ها و تاریکی‌ها را در وجود خبیثی به نام اهریمن جست‌وجو می‌کنند (شهبازی، ۱۳۵۶: ۱۸). زردشت، نخستین آفریده‌ای است که اورمزد و امشاسپندان را می‌ستاید. با تولد و بالیدن او، آب‌ها و گیاهان خشنود شده، شروع به روان شدن و رویدن می‌کنند (یشت ۱۷، ۱۸).

در دین زرتشتی اورمزد خالق جهان و موجودات نیک است و اهریمن آفریننده دیوان و موجودات مودی و بدکار است. زرتشت نخستین آفریده‌ای است که اهورامزدا (اورمزد) و امشاسپندان را می‌ستاید. بر اساس متون کهن زردشتی عالم به دو بخش تقسیم شده است. لشکر روشنایی یا خوبی و لشکر تاریکی یا بدی. سرسلسله‌ی قسمت خوبی‌ها اورمزد (هورمزد) و سالار لشکر بدی‌ها اهریمن (انگره مئینو) است. اورمزد زندگی را آفریده و اهریمن مرگ را. دنیای شر تحت فرمان روح پلید یا اهریمن است که دائم با مظهر خیر یعنی اورمزد (اهورامزدا/هورمزد) و به روایتی با (سپنت مئینو) در حال نبرد است. بعد از تولد زرتشت پیروزمندی اورمزد همواره در تضاد خواهد بود تا وقتی که اهریمن به عالم تیرگی و ظلمت خود برگردد و آن وقت است که روشنایی سعادت آور تمامی عالم را فرا خواهد گرفت (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲۵۰، ۲۵۱).

از همین رو، اهریمن پیش از تولد زرتشت تمام نیروهای دیوی خود را گرد می‌آورد تا او را به هنگام تولد بکشند، اما تولد زرتشت شکست سنگینی بر اهریمن وارد می‌کند (وزیدگی‌های زاداسپر، ۴۷، ۳۷). بر اساس متون زرتشتی می‌توان دو چهره‌ی مجزا برای اهریمن در نظر گرفت. سیمای نخستین که بر آموزه‌های گاهان استوار است، اهریمن را موجودی مینوی می‌داند که وجودش، لازمه‌ی آفرینش و در خدمت انسان و اهورا است و در سیمایی که مأخوذ از متون متأخر است، اهریمن، نیروی مخرب در برابر آفرینش اورمزد و البته گمراه‌کننده و نابودکننده‌ی انسان است. در واقع آموزه‌ی مهم متون زردشتی نیستی اهریمن در برابر هستی اورمزد است. در دوران نیستی، اهریمن تنها می‌تواند در وجود انسان و جانوران جای گیرد. در نهایت این نیستی اهریمن تا رستاخیز ادامه می‌یابد تا اینکه اهریمن با از بین رفتن تمام نیروهایش ناتوان و نابود شده و از آفرینش اورمزدی، ناپیدا می‌شود. در گذر اهریمن از نیستی پیکری به هستی پیکری شاهد یک دوره‌ی بینابین هستیم. اهریمن به واسطه‌ی خوش‌اقبال‌اش دوباره به صحنه‌ی هستی بازمی‌گردد. این دوره‌ی هنگامی است که اهریمن در پایان سه‌هزارساله‌ی دوم به گیتی تاخته، گاو نخستین و کیومرث را می‌کشد. مجدداً امشاسپندان و ایزدان، اهریمن را گرفته و از همان سوراخ که به گیتی آمده بود به دوزخ می‌برند و در آنجا او را به بند مینوی می‌بندند. دو فرشته‌ی اردیبهشت و بهرام نیز به نگهبانی او می‌ایستند. بسته شدن اهریمن در دوزخ زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا او هرازگاهی از بند رهایی یافته و به روی زمین بیاید. به زمین آمدن اهریمن نیازمند آن است که او دارای گیتی شود و هستی پیکری پیدا کند، یعنی همانند انسان دیدنی شود. اهریمن در کالبد مردم نیک آشکار شده (مانند آشکار شدن اهریمن بر ضحاک در شاهنامه) و به سخن گفتن با مینوی باد می‌پردازد و او را فریب داده و به کار خود ادامه می‌دهد... در نهایت اهریمن و دیوان درمی‌یابند که هستی زرتشت رزم افزاری دیوافکن است و با این دریافت، شکست‌خورده و از زمین پهناور می‌گریزند (مفاخر، ۱۳۸۸، م.ش. ۱۶۷، ش ۴).

اهریمن در شاهنامه

حماسه به دلیل دارا بودن جنبه تاریخی و اسطوره‌ای، آماده‌ترین بستر برای شناخت افکار و اعتقادات ایران باستان است. غنی‌ترین این منابع، شاهنامه حکیم فردوسی توسی است. شاهنامه به دلیل داشتن ساختار اسطوره‌ای، اثری نمادین است و شناخت آن از طریق نمادشناسی ممکن است. (کزازی، ۱۳۸۵: ۱۸۶) کشمکش میان خیر و شر و مظاهر آن یکی از درون‌مایه‌های مهم و عوامل تأثیرگذار در خلق داستان‌های شاهنامه است. موضوع مهم در شاهنامه فردوسی مسئله‌ی شر و تقابل آن با خیر است که تحت تأثیر باورها و مفاهیم ثنوی ایران باستان است. در شاهنامه فردوسی نمادها و تعبیر گوناگونی برای معرفی اهریمن و نیروهای اهریمنی به کار برده شده است. بیشتر اوقات کاربرد اهریمن در شاهنامه براساس تشبیه، استعارات و کنایات است و بدین‌سان تجسم انسان‌هایی با شومی اهریمنی در جای‌جای شاهنامه می‌بینیم. برخی از این نمادها و تعبیر، رذایل اخلاقی هستند که از زمان‌های پیشین، خود از ابعاد اهریمن یا یاران او به شمار می‌رفته‌اند که به‌صورت حقیقی خودشان وارد شاهنامه شده‌اند و برخی صرفاً با ویژگی خاص اهریمن که ویرانگری است.

اعتقاد ثنویت، در آثار حماسی ایران از جمله در شاهنامه تأثیر گذاشته و نمونه بارز آن در مبارزه بین خیر و شر به‌صورت تقابل و تضاد دو گروه نژادی متخاصم، ایرانی، آنیرانی (تورانی) تظاهر پیدا می‌کند. (سرکاراتی، ۱۳۸۷: ۹۹) ثنویت، به معنی دوگانگی یا دوگانه‌پرستی است. (معین، ۱۳۷۱: ۱۱۹۵) در اعتقاد به ثنویت، اصحاب اثنین معتقد بودند، اصل شر نیز مانند اصل خیر، قدیم و ازلی و ابدی مختار و مرید و مستقل است و تابع و مخلوق اصل خیر نیست. (اوشیدری، ۱۳۸۹: ۲۲۷) مضامین شاهنامه، گوشه‌ای از درگیری‌ها در طول تاریخ بشر بوده که جنگ بین خوبی و بدی و دنیاپرستی و معنویت را بیان می‌کند. قهرمانان داستان برای داشتن فضیلت‌های نیک، تلاش می‌کنند. همچنین به بیان ظرافت‌های اخلاقی و خصوصیات بارز درون انسان‌ها و احساسات بزرگ‌مردمان تاریخ و تحمل مصائب برای رسیدن به مرحله انسانیت، پرداخته می‌شود. (کومن، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

شاهنامه به‌عنوان اثری پراز و رمز و حماسی نبرد میان نیکی‌ها و بدی‌ها را در نمودهای گوناگون به ظهور رسانده و در آن شر در قالب شخصیت‌ها و موجودات اهریمنی چون رشک، حسد، خشم به نمایش گذاشته می‌شود. در شاهنامه اگرچه اسطوره‌ها در عمل باورنکردنی باشند اما ریشه‌ی اعمال بد آن‌ها انسانی است و خاستگاهی بر بنیاد هوس و شهوت و خشم و جاه‌پرستی و فریبکاری اهریمن (این موجود خاکی) دارد؛ بنابراین در کنار هر یک از این پلیدی‌ها جلوه‌ی اهریمن را در خلق و آفرینش ذمائم مشاهده می‌کنیم. به تعبیری اهریمن بدکار، جرقه‌ی گذرای یک لحظه از وقایع شوم شاهنامه است که آتش فتنه‌ای را برمی‌افروزد و جنگ‌ها و نفاق‌هایی را برپا می‌کند و خود می‌گریزد و دیوان و پریان و انسان‌های بدرکردار کارگزاری او را می‌کنند. اهریمن گذشته از شاهنامه‌ی فردوسی در حماسه‌های ملی نقشی ندارد. فردوسی در شاهنامه برای اهریمن از نوشتارهای آهرمن و اهرمن و

گاهی اوقات نیز از واژه‌های ابلیس و سرنره دیوان استفاده کرده است. اهریمن را در اشعار شاهنامه می‌توان شناخت و سیمای آن را چنانکه فردوسی می‌نماید، می‌توان دید. (رستگار، ۱۳۵۴: ۶۹، ۷۴) «بدون تردید بزرگ‌ترین پراسیب‌ترین حيله و نیرنگ اهریمن، وسوسه نیاکان و پاکان و تغییر و تبدیل صفات و ایجاد کبر و غرور بداندیشی و ترس و هراس یا آرزو، خشم و کینه در آنان است که موجب گسستن فرّ ایزدی می‌شود». (مرتضوی، ۱۳۶۹: ۱۳۴)

در شاهنامه باید نقش اهریمن را در دو بخش هستی پیکری و نیستی پیکری بررسی کرد. در شاهنامه حضور اهریمن از هستی پیکری آغاز شده و به کردارشناسی می‌رسد. پس از آن حضور اهریمن وارد نیستی پیکری شده و تنها به‌عنوان موجودی انتزاعی و روانی در همان ساختار مینو و با تفکر فلسفی و انتزاعی به خواننده شناسانده می‌شود یا به‌عنوان مضمونی برای تصویرسازی و بهره‌گیری در استعارات و کنایات شعری مورداستفاده‌ی فردوسی قرار می‌گیرد. این زمینه باعث شده تا اهریمن هستی پیکر، کمکم از صحنه‌ی داستان‌های شاهنامه خارج شود و کردارهای او به موجوداتی از تبار خود او (دیوان) منتقل گردد. نخستین حضور هستی پیکری اهریمن، در دوره‌ی پادشاهی کیومرث در آغاز شاهنامه است. در این دوره بین اهریمن و دیوان پیوند استواری برقرار شده است. اهریمن تنها دشمن کیومرث در گیتی است که همانند انسان دارای دیو درونی رشک است. کیومرث در شاهنامه فرزندی به نام خزروان دیو دارد که با توصیف «دیوبچه» از او یاد شده است. فردوسی خزروان دیورا با نام‌های «فرزند اهریمن»، «بچه دیو» «پوراهرمن»، «دیوسبیه» می‌خواند.

سیامک به دست خردورزان دیو تبه گشت و گشت انجمن بی خدیو

(فردوسی، ۱/۳۰)

فردوسی تحت تأثیر شخصیت‌ها و موجودات اهریمنی و خصلت‌هایشان، هر یک از رذایل اخلاقی رادیو معرفی می‌کند:

چنین داد پاسخ که آز و نیاز دو دیوند بازور و گردن‌فراز

اگر خشم و رشک است ننگ و کین چو نام و دوروی و ناپاک دین

و هم آنک از کس ندارد سپاس به نیکی و هم نیست یزدان‌شناس

دشمنان خرد و دیوان اهریمنی در اوستا همچون دیوهای آز، خشم، شهوت، حسد و ... از عالم اسطوره و دین به ساحت انسانی وارد می‌شوند و در داستان‌های شاهنامه تبدیل به سرشت پلید و خوی و خصلت زشت می‌شوند. (دوست‌خواه، ۱۸: ۱۳۷۰) در شاهنامه هر جا که نیروهای خرد و خیر حضور دارند، نیروهای تاریکی مانند ضحاک و تور که نماد شر و نابخردی هستند، به جنگ و ستیز با آنها مشغول‌اند. دیوها نماد ضد ارزش‌ها و قهرمانان نماد ارزش‌ها هستند که سرانجام نیروی خیر بر شر سیطره می‌یابد. در نظام فکری اخلاقی ایران و بنا بر شاهنامه، دیو آزر کارکردی ویرانگر در برابر خرد دارد تا جایی که اشخاص در هیچ کار و هیچ چیزی اندازه نمی‌شناسند و زمینه نابودی خود را با

فزون خواهی‌شان فراهم می‌آورند. در شاهنامه، از دیو شماره یک است. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۰) در واقع نقش از مانند دیو نیاز یاری‌رساندن به دیو مرگ در نابودی انسان و آفرینش است. محور اندیشه فردوسی در تمامی داستان‌ها بر پایه‌ی خرد و داد نبوده است؛ که اگر این باشد، گزافه‌گویی است. از با منفعل و ناکارآمد کردن خرد و فعال کردن ناخرسندی وارد میدان می‌شود. فردوسی از رادیوی ستمکار معرفی می‌کند که اساس بدی‌ها و عامل جنگ‌هاست.

سوی از منگر که او دشمن است دلش برده‌ی جان آهرمن است.

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۳/۱۹۳)

به بند درازیم و در چنگ از ندانیم باز آشکارا ز راز

(همان، ۴/۸۶)

خودپسندی و غرور به‌عنوان نیروی اهریمنی و شیطانی در شاهنامه، خواستگاه غیرانسانی و غیراخلاقی دارد که باعث نیستی و هلاک اقوام و افراد می‌شود. به‌طوری‌که شاهان و در بعضی مواقع پهلوانان، با استفاده از نیروی شهوانی به سمت تصمیمات غلطی می‌روند که نابسامانی و قتل‌عام را به دنبال دارد. برای مثال در زمان پادشاهی هوشنگ، کیکاووس، فریدون و... منیت جنبه زمینی و دنیوی دارد اما در زمان جمشید، به شکل خدا انگاری نمود پیدا می‌کند. در شاهنامه غرور را می‌توان در شخصیت‌هایی چون جمشید، کاووس، اسفندیار، گشتاسب و... دید. بیت زیر نشان‌دهنده این واقعیت است که فریدون هرچند شاه دادگری است اما باز منیت دارد و دیگران در مقابل او سجده می‌کنند. (کاظم خانلو، طولازدهی، ۱۳۹۵)

منم کدخدای جهان سربه‌سر نشاید نشستن به یک جای بر

جهان پیش او خاک دادند بوس ز درگاه بر خواست آوای کوس

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱/۷۶)

کیکاووس در ابتدای قدرت ادعای منیت می‌کند.

من از جم و ضحاک و از کیقباد فزونم به بخت و به فر و به داد

فزون بایدم زان ایشان هنر جهان جوی باید سر تاجور

(همان، ۲/۷۸)

اهریمن در شاهنامه در چهره‌های متفاوتی گاهی در سیمای دوستان و فرزندان و زمانی در چهره پزشکان ظهور می‌کند و واژه خون‌خوار را بر دوش ضحاک می‌نشانند و مغز جوانان را طعمه آن‌ها می‌سازد و مرادش نابودی نسل بشر است. نام ابلیس مطلوب طبع فردوسی نیست و پس از داستان ضحاک، فقط در زمان پادشاهی کاووس که او را به سپردن راه آسمان‌ها وامی‌دارد، این واژه را بکار می‌برد. سپس درهم جابجای واژه ابلیس، اهریمن را بکار می‌برد. حضور محسوس و عینی اهریمن در

زمان فریدون، دیگر مشهود نیست. گویی جای عینیت ابلیسی را نفوذ ذهنیت اهریمنی فراگرفته است، زیرا در همه جا اثر اعمال و فریبکاری او وجود دارد به طوری که حضور ذهنی اهریمن به حدی طبیعی شده است که دیگر نیازی به جلوه‌گری محسوس او در داستان‌ها نیست. (رستگار فسایی، ۱۳۶۹: ۲۷۹)

در شاهنامه، بسیاری از کنش‌ها و ویژگی‌های افراسیاب، یادآور اهریمن و کردار اوست. از جمله کشتن مرد و گاو نخستین، داشتن خصلت پس آگاهی، دیو گونه و دیو کرداری او اقامت در مغاک (گودال) زمین. در واقع با تغییر واژه اهریمن، ازدها و دیو اسطوره، به شاه بیدادگر می‌توان گفت: افراسیاب نماینده اهریمن و مظهری از پادشاه ستمکار و بیدادگر است که همه از شر او به ستوه درآمدند. (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۳) در شاهنامه صدای اهریمنی ندای گمراهی است. بدنتی، حرامزادگی، نیرنگ کاری و ظلم از افعال اهریمن است. اهریمن بدکنش، بدسگال، بدگوهر، جفایبشه، پر گزند، چارجوی و زورمند است. دورویی از شیوه‌های اهریمنی است و بد نژادی و بدگوهری نیز از روش‌های اهریمن است. بی‌رحم و سخت‌دل است. زشت و کریه منظر و هراس‌انگیز است.

تفاوت اهریمن در دین زرتشت و شیطان در جهان‌بینی اسلام

باید بیان داشت که میان اندیشه اهریمن در کیش زردشتی و آیین مزدایی و اندیشه شیطان در آیین اسلام، تفاوت از زمین تا آسمان است. در تعلیمات اوستایی، از موجودی به نام انگره مئینو یا اهریمن نام‌برده شده است و خلقت همه بدی‌ها و شرور و آفات و موجودات زیان‌آور از قبیل بیماری‌ها، درنده‌ها، گزنده‌ها، مارها و عقرب‌ها و همچنین زمین‌های بی‌حاصل، خشک‌سالی و امثال آن‌ها به اهریمن نسبت داده شده است، نه به «اورمزد» که خدای بزرگ است و نه به «سپنت مئینو» که رقیب انگره مئینو است. در واقع از بعضی تعلیمات اوستایی ظاهر می‌شود که اهریمن، خود یک جوهر و عرض قدیم ازلی همانند اورمزد است و به هیچ‌وجه آفریده اورمزد نیست، اورمزد او را کشف کرده است ولی او را نیافریده است. بعضی از متون اوستا نشان می‌دهد که اورمزد دو موجود آفرید: یکی سپنت مئینو خرد مقدس و دیگری انگره مئینو یا خرد خبیث (اهریمن). به‌رحال آنچه از اوستا ظاهر می‌شود و مورد اعتقاد زردشتیان بوده و هست این است که موجودات و مخلوقات جهان به دو دسته خیر و شر تقسیم می‌شوند. «خیرات» آن‌ها هستند که هستند و بایست باشند و خوب است که باشند و وجودشان برای نظام عالم لازم است و دیگری شرور هستند که نباید باشند و وجودشان رد شده است و این شرور به هیچ‌وجه مخلوق اورمزد نیستند بلکه مخلوق اهریمن‌اند؛ بنابراین اهریمن خالق و آفریننده بسیاری از مخلوقات جهان است، قسمتی از جهان آفرینش، جز قلمروی او است و او خود از یک اصل قدیم ازلی است. اهریمن شریک اورمزد در ذات و در خالقیت اورمزد است. ولی در جهان‌بینی اسلامی اساساً جهان و موجودات جهان به دو دسته خیر و شر منقسم نمی‌گردد. در جهان، آفریده‌ای که نبایست آفریده شده باشد و یا بد آفریده شده باشد وجود ندارد، همه چیز زیبا

آفریده شده و همه چیز به جا آفریده شده و همه چیز مخلوق ذات احدیت است. در جهان بینی اسلامی قلمروی شیطان «تشریح» است نه «تکوین»، یعنی قلمروی شیطان فعالیت های تشریحی و تکلیفی بشر است. شیطان فقط در وجود بشر می تواند نفوذ کند نه در غیر بشر. قلمروی شیطان در وجود بشر محدود است به نفوذ در اندیشه او، نه تن و بدن او. (مطهری: ۸۶). در اندیشه اسلامی به منشأ نیروی شر، شیطان یا ابلیس گفته می شود. اهریمن قدیم و شیطان مُحدث است. از تفاوت های اساسی شیطان و اهریمن آن است که شیطان مخلوق و بنده الله بوده، او را می پرستیده و یگانه معشوق خود می دانسته است حال آنکه اهریمن، جز در اندیشه ی زروانی، دارای اصلی جدا از اورمزد و همورد او انگاشته می شده است. در ایران اسلامی واژه های اهریمن و شیطان و ابلیس و دیو در فرهنگ عامه و در متون ادبی مترادف یکدیگرند و برای نامیدن نیروی شر به کاررفته اند. اگرچه در فرهنگ ایرانی- اسلامی این واژه ها را مترادف دانسته اند اما ماهیت اهریمن و شیطان متفاوت است. بر اساس اعتقاد اسلامی اهریمن مختار و ابلیس مجبور است. الله قادر مطلق است و ابلیس مخلوق او و مسخر اراده اوست. به واقع ابلیس در نافرمانی از الله مختار نبوده است. حق دارای صفات جلالی است. صفاتی چون قهر، خشم و جبر و غضب در ذات اوست. اورمزد صفات جلالی الله را دارا نیست و این صفات متعلق به اهریمن و دیوان آفریده اوست. باید گفت که شیطان برخلاف اهریمن در تصمیم خداوند دایر بر آفرینش انسان و جهان نقشی نداشته است، در صورتی که در باور باستانی ایران، اهریمن در آفرینش جهان دخیل و شریک بوده است. (مزدا پور، سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۹)

نتیجه گیری

فلسفه حیات در ایران باستان تحت تأثیر اندیشه دو اصل ازلی خیر و شر، تفسیر و تحویل شد. آفرینش اورمزد، ستایش دین نیک امشاسپندان و شهیاران جهان را از گزند و آسیب اهریمن رهایی می بخشد. اهریمن، منشأ شر و نابودگر نیکی اورمزد در جهان تا روز رستاخیز است. در کار آفرینش به توافق اهریمن نیز نیاز بوده است و پیمان میان اهریمن و اورمزد توافقی است که بنا بر آن اهریمن هم در آفرینش دخیل شده است. بنابر متون، ذات اهریمن هیچ گاه عوض نمی شود، قابل تغییر نیست و خوبی هرگز در آن راه ندارد. اهریمن پنداری در روان انسان است همانند دیو خشم که صورت جسمانی ندارد و در روح و روان انسان است. اهریمن مظهر تاریکی و پلیدی است و همواره در فکر نابودی انسان است، حتی زمانی که به بند کشیده می شود. انسان باید در تن و روان خود به مبارزه با اهریمن بپردازد او را از روان و تن خود بیرون کند و به سمت نابودی و ناتوانی اهریمن پیش برود. با توجه به منابع مکتوب، به طور قطع می توان گفت که واژه اهریمن، تصویر اسطوره ای از شیطان در دین اسلام است. تمام مکاتبی که دست نوشته قابل استنادی از اهریمن از آن ها برجای مانده متأثر از آئین زرتشت می باشند.

برای بازشناسی و بازسازی کردارهای اهریمن در شاهنامه نیاز فراوانی به داستان‌های موجود در آثار و متون زردشتی هست که حلقه گمشده بین گزارش اوستایی و پهلوی و گزارش شاهنامه فردوسی هستند. ریشه اعمال بد در شاهنامه، انسانی است و بر بنیاد هوس و شهوت و خشم و فریبکاری اهریمن است. در افسانه‌های ایرانی هیچ اسطوره‌ای بهتر از شاهنامه فردوسی نمی‌تواند سیمای شوم اهریمن این بنیان‌برانداز هستی را با همه‌ی زشتی‌هایش بنمایاند. در شاهنامه حضور اهریمن از هستی پیکری آغاز شده و به کردارشناسی می‌رسد. پس از آن دوباره وارد نیستی پیکری شده و تنها به‌عنوان موجودی انتزاعی و روانی شناسانده می‌شود یا به‌عنوان مضمونی برای تصویرسازی و بهره‌گیری در استعارات و کنایات شعری مورد استفاده‌ی فردوسی قرار می‌گیرد. اهریمن با ورود حماسه ملی به دوران پهلوانی کردارهای خود را به جانشینانش وامی‌گذارد و پس از آن به‌عنوان موجودی مینوی، مضمونی برای بیان اندیشه‌های انسانی و شاعرانه می‌گردد. در جهان‌بینی اسلامی قلمروی شیطان فعالیت‌های تشریحی و تکلیفی بشر است. شیطان فقط در وجود بشر، در ذهن و اندیشه او می‌تواند نفوذ کند نه در تن و بدن او. بنا بر جهان‌بینی اسلامی، در جهان آفریده‌ای که نبایست آفریده شده باشد و یا بد آفریده شده باشد وجود ندارد، همه چیز زیبا آفریده شده و همه چیز به‌جا آفریده شده و همه چیز مخلوق ذات احدیت است. در فرجام شناسی ایرانی اهریمن به دوزخ افکنده شده و به بند کشیده می‌شود. دستاورد این پژوهش نقش و شناخت اهریمن و پدیده‌های رفتاری و کرداری او با اورمزد و انسان‌ها از آغاز اندیشه‌ی کهن ایرانی تا پایان دوران حماسه‌های ملی و شاهنامه در اواخر قرن هشتم است.

فهرست منابع

- ≠ اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۹) «دانشنامه مزدسینا واژه‌نامه توصیفی آیین زرتشت» چاپ پنجم، تهران، نشر مرکز
- ≠ اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۸۳) «دانشنامه مزدسینا واژه‌نامه توصیفی آیین زرتشت» تهران، مرکز
- ≠ آیدنلو، سجاد، (۱۳۸۸) «از اسطوره تا حماسه (هفت گفتار در شاهنامه پژوهی)» با مقدمه دکتر محمدمامین ریاحی، انتشارات سخن
- ≠ بوعلی سینا «الهیات شفا» مقاله هشتم، جلد یکم، فصل ششم
- ≠ بهار، مهرداد، (۱۳۹۷) «پژوهشی در اساطیر ایران باستان (پاره نخست و پاره دوم)» ناشر آگه
- ≠ تبریزی، محمدحسین «کتاب برهان قاطع» تألیف معین، محمد
- ≠ خنجری، خداداد، (۱۳۸۰) «کتاب بینش زرتشت» چاپ دوم، ماهنامه چیستا
- ≠ دادگی، فرنیغ «بندھش» برگرداند مهرداد بهار، مهرداد، نشر مؤلف
- ≠ داعی الاسلام، سید محمدعلی حسنی، (۱۳۵۷) وندیداد (حصه سوم کتاب اوستا)، نشر حیدرآباد دکن
- ≠ دوستخواه، جلیل (۱۳۷۰) «اوستا (گزارش و پژوهش)» چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید
- ≠ رستگار فسایی، منصور، (۱۳۶۹) «۲۱ گفتار درباره‌ی شاهنامه فردوسی» شیراز، انتشارات شیراز
- ≠ رستگار، منصور (۱۳۵۴) «اهریمن در نظر فردوسی» مجله گوهر، شماره ۲۵
- ≠ رو، ژرژ، (۱۳۶۹) «بین‌النهرین باستان» ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر آب
- ≠ ژینیو، فیلیپ، (۱۳۸۲) «رداویراف‌نامه» ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، چاپ دوم، تهران، انتشارات معین
- ≠ سرکاراتی، بهمن، (۱۳۸۷) سایه‌های شکار شده (گزیده مقالات فارسی)، تهران، نشر قطره
- ≠ شهبازی، علیرضا، (۱۳۵۶) «کتاب راهنمای مستند تخت جمشید» انتشارات سفیران و انتشارات فرهنگسرای میر دشتی
- ≠ فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴) «شاهنامه»، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ مسکو، تهران، دفتر نشر داد
- ≠ فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳) شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، بنیاد میراث ایران، کالیفرنیا
- ≠ کاظم خانلو، ناصر و طولزدهی، شراره، (۱۳۹۵) «مقاله اهریمن نماد شر در شاهنامه» محل انتشار، نخستین کنفرانس بین‌المللی و دومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی
- ≠ کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۸۵) «نامه باستان ۵ جلد» چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت
- ≠ کلبی، نیک، (۱۳۸۰) «رساله تکذیب و رد فرق دینی» ترجمه، نعلبندیان، از کتاب هزاره‌های گمشده، جلد یکم، تهران، توس

≠ کومن، فرانتس، (۱۳۸۳) «آیین پرمزوراز میتراپی» ترجمه هاشم رضی، تهران، انتشارات بهجت
≠ مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۹) «فردوسی و شاهنامه» چاپ سوم، تهران، انتشارات توس
≠ مزدا پور، کتایون، سلیمی، مینا (۱۳۹۰) «مقاله شیطان و اهریمن» انتشارات نامه فرهنگستان،
شماره ۴۷

≠ مطهری، مرتضی، «کتاب عدل الهی» انتشارات صدرا
≠ معین، محمد، (۱۳۷۱) «فرهنگ فارسی» چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر
≠ معین، محمد، (۱۳۶۳) «کتاب مزدیسنا و ادب پارسی» به کوشش مهدخت معین، تهران، دانشگاه
تهران

≠ مفاخر، دکتر آرش، (۱۳۹۱) «مقاله بنیادهای اساطیری و حماسی داستان دیوان مازندران در
شاهنامه» پژوهشنامه ادب حماسی، شماره چهاردهم، سال هشتم
≠ مفاخر، دکتر آرش، (۱۳۸۹) «مقاله هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه
فردوسی» فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال یازدهم، شماره ۲۱
≠ مفاخر، دکتر آرش، (۱۳۸۸) «مینوشناسی اهریمن در اوستا و متون پهلوی» جستارهای ادبی،
شماره چهارم، انتشارات ترفند

≠ مقدم، محمد، (۱۳۶۳) سرود بنیاد دین زرتشت، تهران، فروهر
≠ هینلز، جان، (۱۳۸۶) «شناخت اساطیر ایران» ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر چشمه
≠ هینلز، جان، (۱۹۷۵) «شناخت اساطیر ایران» روایت از نیک ارمی درباره اسطوره آفرینش ببینید
≠ یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶) فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی تهران، موسسه
فرهنگی معاصر

≠ یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۵) «فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی» انتشارات صدا و
سیما